

نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران

مؤلف:

غلامحسین آماده

مستشار قضایی حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه

دیباچه:

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

نشر دادگستر

۱۳۸۷

سرشناسه	: آماده، غلامحسین، ۱۳۲۶-
عنوان و نام پدیدآور	: نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران / مولف غلامحسین آماده؛ دبیاچه علی حسین نجفی ابرندآبادی
مشخصات نشر	: تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
شابک	: ۲۵۰۰۰ ریال: 8-32-2626-964-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۰۷-۲۱۶]; همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: حقوق جزا — ایران
موضوع	: آیین دادرسی جزایی — ایران
موضوع	: عدالت کیفری — ایران
شناسه افزوده	: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۲۸-، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ن ۷/آ ۸/۳۸۰۰ KMH
رده بندی دیویی	: ۳۳۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۳۰۶۱۴

نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران

مؤلف: غلامحسین آماده

ناشر: مؤسسه انتشارات دادگستر

چاپ اول: بهار ۱۳۸۸

شمار: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۶-۳۲-۸

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، میدان حضرت ولی عصر (عج)، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان فلسطین جنوبی، کوی شهید ذاکری، پلاک ۱۶، تلفن ۸۸۹۰۴۴۶۵

نشان‌های اختصاری

آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب بهمن ۱۳۸۵ رئیس قوه قضائیه	آیین‌نامه اجرایی
قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی	ق.آ.د.ک.
قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	ق.آ.د.م.
قانون مدنی	ق.م.
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی	ق.م.ا.
قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۷۰/۹/۱۳	ق.ت.د.ک. و ۲
قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی	ق.ت.د.ع.ا.
ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ اصلاحی ۱۳۸۵/۱۰/۲۴	ماده ۱۸ اصلاحی
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۶۸	ق.ا.
چاپ	چ
جلد	ج
صفحه	ص
رجوع کنید.	ر.ک.
کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰	کنوانسیون اروپایی
کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹	کنوانسیون آمریکایی
کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۲۰۰۳	کنوانسیون مریدا
مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان ۱۹۸۸	مجموعه اصول
منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۱	منشور آفریقایی
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶	میثاق
قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام	ق.ت.م.ا.ک.
اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری مطابق با ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ خورشیدی، اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره.	اعلامیه قاهره

فهرست مطالب

۹	 دیباچه
۱۳	 درآمد

فصل اول - نقش رئیس قوه قضائیه در تحقق دادرسی عادلانه

۲۱	 مبحث اول - الزامات دادرسی عادلانه
۲۱	 گفتار اول - الزامات دادرسی عادلانه قبل از محاکمه
۲۲	 ۱- التزام به اصل برائت
۲۵	 ۲- منع بازداشت خودسرانه
۲۸	 ۳- حق اطلاع فوری از دلایل بازداشت
۲۸	 ۳-۱ اطلاع‌رسانی در زمان دستگیری (توسط پلیس)
۲۹	 ۳-۲ اطلاع‌رسانی پس از دستگیری (توسط مقام قضایی)
۳۱	 ۴- حق اعتراض نسبت به بازداشت
۳۲	 ۵- حق بر رعایت کرامت انسانی
۳۷	 ۶- حق برخورداری از وکیل
۴۱	 گفتار دوم - الزامات دادرسی عادلانه در جریان محاکمه
۴۱	 ۱- حق رسیدگی توسط دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف
۴۳	 ۱-۱ قانونی و صالح بودن دادگاه
۴۳	 ۱-۲ مستقل بودن دادگاه
۵۱	 ۱-۳ بی‌طرف بودن دادگاه
۵۴	 ۲- حق رسیدگی علنی
۵۶	 ۳- حق سؤال از شهود
۵۷	 ۴- ممنوعیت تسری قوانین جزایی، به گذشته
۵۹	 ۵- ممنوعیت محاکمه مجدد
۶۳	 ۶- حق محاکمه بدون تأخیر غیرموجه
۶۷	 ۷- حق تجدیدنظرخواهی
۷۱	 مبحث دوم - الزامات رفتار عادلانه
۷۱	 گفتار اول - الزامات حقوقی
۷۱	 ۱- تسهیلات ویژه برای طرح شکایت

- ۱-۱- امکان طرح فوری شکایت ۷۱
- ۱-۲- امکان طرح شکایت توسط وکیل ۷۲
- ۱-۳- کفایت شکایت برای شروع به تحقیقات ۷۳
- ۲- تسهیلات ویژه برای جبران ضرر و زیان بزه‌دیده ۷۶
- ۲-۱- استرداد فوری اموال مکشوفه تحصیل شده از جرم ۷۶
- ۲-۲- امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، ضمن شکایت کیفری ۷۷
- ۲-۳- حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته بدون لزوم پرداخت خسارت احتمالی ۷۹
- ۲-۴- توجه به خسارات مورد درخواست مدعی خصوصی، در صدور قرار تأمین ۸۰
- ۲-۵- پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی، از تأمین اخذ شده ۸۰
- ۲-۶- پرداخت دیه از بیت‌المال ۸۰
- ۳- تشویق به تلاش برای تخفیف آلام و جبران زیان ناشی از جرم ۸۳
- ۳-۱- کمک فوری به بزه‌دیده مصدوم ۸۳
- ۳-۲- تلاش برای تخفیف اثرات جرم ۸۳
- گفتار دوم - الزامات بالینی ۸۴
- ۱- احترام به شأن و منزلت بزه‌دیده ۸۴
- ۲- اجازه طرح دیدگاهها و نگرانیها ۸۷
- الف - جرایم قابل گذشت ۹۰
- ب - جرایم غیرقابل گذشت ۹۱
- ۳- تأمین امنیت بزه‌دیده ۹۶
- جمع‌بندی مطالب فصل اول ۹۸

فصل دوم - نظارت رئیس قوه قضائیه بر آراء قطعی کیفری

- مبحث اول - آراء قطعی خلاف شرع ۱۰۲
- گفتار اول - سابقه تقنینی ۱۰۴
- ۱- قبل از انقلاب (تأکید بر حفظ قانون) ۱۰۴
- ۱-۱- حق فرجام‌خواهی دادستان کل کشور ۱۰۶
- ۱-۲- حق فرجام‌خواهی وزیر دادگستری ۱۰۷
- ۲- بعد از انقلاب (تأکید بر حفظ موازین شرعی و قانونی) ۱۰۸
- گفتار دوم - دایره شمول ماده ۱۸ اصلاحی ۱۱۰
- ۱- تصمیمات قضایی مشمول ماده ۱۸ اصلاحی ۱۱۰

۱-۱- آراء دادگاههای عمومی، کیفری استان و تجدیدنظر.....	۱۱۱
۱-۲- آراء دادگاه انقلاب.....	۱۱۲
۱-۲-۱- احکام قطعی راجع به مواد مخدر.....	۱۱۳
۱-۲-۱-۱- احکام اعدام.....	۱۱۳
۱-۲-۱-۲- احکام غیراعدام.....	۱۱۴
۱-۲-۲- احکام قطعی دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.....	۱۱۴
۱-۳- آراء دادگاههای نظامی.....	۱۱۶
۱-۴- آراء دیوان عالی کشور.....	۱۱۸
۲- مصادیق خارج از شمول ماده ۱۸ اصلاحی.....	۱۲۱
۲-۱- آراء دیوان عدالت اداری.....	۱۲۱
۲-۲- آراء دادگاه ویژه روحانیت.....	۱۲۲
۲-۳- قرارها و دستورات دادسرا.....	۱۲۴
۲-۴- آراء شورائی حل اختلاف.....	۱۲۴
۲-۵- احکام غیابی.....	۱۲۵
۲-۶- گزارش اصلاحی.....	۱۲۶
گفتار سوم - قلمرو اعمال ماده ۱۸ اصلاحی.....	۱۲۷
۱- مفهوم خلاف بین شرع.....	۱۲۷
۲- مفهوم مسلمات فقه.....	۱۲۸
۳- حدود اختیارات رئیس قوه قضائیه.....	۱۲۹
۴- رویه قضایی.....	۱۳۲
گفتار چهارم - ایجاد محدودیت زمانی برای اعتراض.....	۱۳۴
۱- تغییر در رویکرد شورای نگهبان.....	۱۳۴
۲- مبدا محاسبه فرجه قانونی.....	۱۳۷
۳- التزام رئیس قوه قضائیه به فرجه مقرر.....	۱۳۹
۴- رویه قضایی.....	۱۴۳
گفتار پنجم - تشخیص رئیس قوه قضائیه یکی از جهات اعاده دادرسی.....	۱۴۵
۱- تشخیص رئیس قوه قضائیه، درخواست یا تجویز.....	۱۴۵
۲- توقف اجرای حکم قطعی.....	۱۴۸
۳- مرجع صالح برای اعاده دادرسی.....	۱۵۱
گفتار ششم - اعاده دادرسی نسبت به آراء شعب تشخیص.....	۱۵۴
۱- آراء شکلی شعب تشخیص.....	۱۵۴
۲- آراء ماهوی شعب تشخیص.....	۱۵۶

مبحث دوم - نظارت رئیس قوه قضائیه بر احکام قطعی قصاص.....	۱۶۰
گفتار اول - مبانی شرعی استیذان.....	۱۶۲
۱- استیذان در قرآن.....	۱۶۳
۲- استیذان در آراء فقها.....	۱۶۴
۲-۱- استیذان در قصاص نفس.....	۱۶۴
۱-۱- لزوم استیذان.....	۱۶۵
۲-۱-۲- عدم لزوم استیذان.....	۱۶۷
۳-۱-۲- اولی بودن استیذان.....	۱۶۸
۲-۲- استیذان در قصاص عضو.....	۱۷۰
۳- ضمانت اجرای ترک استیذان.....	۱۷۲
گفتار دوم - رویه قضایی.....	۱۷۷
۱- نحوه عملکرد مراجع قضایی ذی ربط.....	۱۷۷
۱-۱- بخشنامه‌ها.....	۱۷۷
۱-۱-۱- بخشنامه‌های صادر شده در دوره ریاست حضرت آیت‌اله یزدی.....	۱۷۷
۲-۱-۱- بخشنامه‌های صادر شده در دوره ریاست حضرت آیت‌اله.....	۱۷۷
۱-۱-۲- بخشنامه‌های صادر شده در دوره ریاست حضرت آیت‌اله.....	۱۷۹
هاشمی شاهرودی.....	۱۷۹
۱-۲- تشریفات استیذان.....	۱۸۰
۲- خلاءهای قانونی و راهکارهای مدیریتی.....	۱۸۲
۲-۱- هرگاه اجرای حکم قصاص با مصلحت عمومی، مغایر باشد.....	۱۸۲
۲-۲- هرگاه ولی دم مقتول، صغیر یا مجنون باشد.....	۱۸۶
۲-۲-۱- انتظار تا بلوغ صغیر یا افاقه مجنون.....	۱۸۷
۲-۲-۲- اختیار تام ولی با رعایت غبطه صغیر یا مجنون.....	۱۸۹
۲-۳- هرگاه ولی صغیر یا مجنون، جزء اولیای دم مقتول باشد.....	۱۹۱
۲-۴- ابهامات مربوط به تودیع سهم صغیر و فاضل دیه.....	۱۹۴
۲-۴-۱- نحوه تأمین سهم صغیر.....	۱۹۵
۲-۴-۲- عدم پرداخت سهم صغیر یا فاضل دیه.....	۱۹۶
جمع‌بندی مطالب فصل دوم.....	۱۹۸
نتیجه.....	۲۰۳
منابع و مآخذ.....	۲۰۷

دیباچه

قوة قضائیه در سنجة حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی خوب، به زمامداری، حسن تدبیر در حکمرانی، حکومت گری مطلوب^۱ اخیراً در سطح نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد و حتی در سطح روابط بین دولت‌ها، به عنوان سنجه‌ای جهت ارزیابی نظام سیاسی کشورها، برای اعطاء امتیازات مادی و سرمایه‌گذاری اقتصادی، اعطاء جایگاه کنشگر مشروع و مقبول در روابط و سازمان‌های بین‌المللی، اعطاء مسئولیت‌های سیاسی - دیپلماتیک در پهنه بین‌المللی و ... تبدیل شده است. مؤلفه‌های حکمرانی خوب عمدتاً شامل: مدیریت شفاف منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در برابر مردم و جامعه بین‌المللی، مشارکت جامعه مدنی در مدیریت کشور (از طریق شرکت در انتخابات ملی و محلی، تشکیل آزاد اجتماعات و جمعیت‌ها و تأسیس رسانه‌های گروهی آزاد) و ارتقاء قانون‌مداری (حکومت قانون) در فرآیندهای مختلف تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌شود.^۲

بدین‌سان می‌توان گفت که از منظر مفهوم به زمامداری، دولت مطلوب، یک نظام سیاسی مردم سالار (دموکراتیک) است که مبانی آن امروزه در اسناد جهانی الزام‌آور، ترویجی و ارشادی حقوق بشر احصاء و پیش‌بینی شده است، چندان که مرزهای دو مفهوم حکمرانی خوب و دموکراسی سیاسی، به ویژه در مقوله احترام به حقوق و آزادی‌های فردی (حقوق شهروندی) دارای ضمانت اجرا به هم نزدیک شده‌اند.



امروزه ارکان تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی، یعنی قوای سه گانه مقننه^۳، مجریه^۴ و قضائیه^۵ در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرند.

1- Good Governance.

۲- در مورد مفهوم حکمرانی خوب رک. زارعی، محمدحسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، پاییز - زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۵۵ و بعد؛ میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (به کوشش)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۳؛ کاتوزیان، ناصر (زیر نظر)، حکومت قانون و جامعه مدنی، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۵.

۳- در این مورد رک. منفرد، لیلی، به زمامداری در قوه مقننه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

۴- در این مورد رک. عالی، سمیه، به زمامداری در قوه مجریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

۵- در این مورد رک. رحمتی‌فر، سمانه، به زمامداری و دستگاه قضایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

بر آورد کیفیت مدیریت و سیاستگذاری، به طور کلی و به ویژه، نحوه اعمال عدالت کیفری و میزان دل‌نگرانی متولیان و کارگزاران آن برای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی مشروع در فرایند کیفری از جمله معیارهای بررسی دستگاه قضایی در صافی حکمرانی خوب محسوب می‌شود.

قوه قضائیه، نگهبان و پشتیبان حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان است و در هر شرایطی ضامن تأمین و تضمین برابری و بی‌طرفی در عدالت کیفری است؛ به طوری که مرتکبان جرم و نقض‌کنندگان حقوق شهروندی را، حتی اگر کارگزار حکومت و به ویژه عدالت کیفری، باشند بی‌هیچ مصلحت‌اندیشی تعقیب، محاکمه و مجازات می‌کند. قوه قضائیه در هر نظام سیاسی مبتنی بر مفهوم حکمرانی خوب، ضامن و نماینده عدالت در سطح جامعه دولتی و جامعه مدنی است؛ به عبارت دیگر، دادگری خوب منجر به تحقق رکن قضایی حکمرانی خوب، و موجب مشروعیت ملی و بین‌المللی حاکمیت و در نهایت بقا حیات سیاسی داخلی و خارجی آن می‌شود. بدین‌سان است که استقلال قوه قضائیه نسبت به سایر قوا (استقلال قضایی خارجی)، از یک‌سو و استقلال قضات و دادگاهها - به ویژه مراجع کیفری - نسبت به عالی‌ترین مقام قوه قضائیه (استقلال قضایی داخلی)، از سوی دیگر جنبه قضایی مفهوم حکمرانی خوب را تشکیل می‌دهد. در چنین بستری، سایر قوا و یا نهادها، با توجه به نوع و ماهیت حاکمیت در هر نظام سیاسی، در مدیریت و سیاستگذاری شفاف قوه قضائیه مداخله نمی‌کنند و قضات آن در تصمیم‌های قضایی خود تحت هیچ‌گونه سلسله مراتب قضایی قرار ندارند. ولی در عوض، رئیس آن در ارتباط با سیاست‌های کلی و کارنامه دستگاه قضایی مکلف به پاسخ‌گویی در برابر نمایندگان مردم (مجلس) می‌شود.



جنبه قضایی - کیفری مفهوم حسن تدبیر در حکمرانی، در نوشتگان حقوق کیفری غالباً در قالب دو مفهوم «دادرسی عادلانه» و «رفتار عادلانه» شناخته می‌شود. عدالت کیفری عادلانه در واقع به تضمین و تأمین حقوق، نیازها و خواسته‌های مظنون، متهم، محکوم‌علیه (بزه‌کار)، شاکی و محکوم‌له (بزه‌دیده) در مراحل مختلف فرایند کیفری - از مرحله دستگیری تا مرحله اجرای مجازات و حتی مرحله پנסاکیفری - تأکید دارد.^۱

۱- در مورد این دو مفهوم رک. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶۵۷، پاییز - زمستان ۱۳۸۵ (ویژه دادرسی عادلانه) و مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶ (ویژه حقوق شهروندی).

علنی، ترافیعی و دو درجه‌ای بودن رسیدگی و تضمین حقوق دفاعی متهم، از یک سو و دسترسیِ آسانِ بزه‌دیده به دادگستری، تضمین حقوق قضایی و تأمین نیازها و خواسته‌های مختلف ناشی از تجربه بزه‌دیدگی شاکی، از سوی دیگر در صافی به زمامداری ارزیابی می‌شود. با برخورد و رفتار قانونی - اخلاقی - انسانیِ کُششگران پلیسی - قضایی با بزه‌کار و بزه‌دیده در سرتاسر فرایند کیفری، کرامت انسانی ذاتی آنان حفظ می‌شود. در این صورت است که «محکوم‌علیه» و «محکوم‌له»، کارنامه عدالت کیفری را نسبت به خود عادلانه و منصفانه تلقی می‌کنند و بدین تربیت عدالت کیفری کرامت‌مدار^۱ زمینه تبئه، اصلاح، بازپروری و ترمیم بزه‌کار و بزه‌دیده را نیز از نظر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی فراهم می‌کند.^۲ حکومت‌گری مطلوب در بُعد کیفری آن، یعنی عدالت کیفری کرامت‌مدار، از یک سو مستلزم تنظیم و به تصویب رساندن لوایح قانونی کیفی در زمینه جرم‌انگاری، کیفرگذاری، سازمان و تشکیلات قضایی و تشریفات رسیدگی منطبق با نیازهای جامعه، انتظارات عمومی و دستاوردهای علوم جنایی حقوقی و تجربی و از سوی دیگر، نیازمند به کارگیری ضابطان، قضات و مجریانی نیز است که گفتمان و جهت‌گیری‌های قانونگذار را درک کرده و با تحولات علوم جنایی حقوقی و تجربی آشنا باشند.



معماریِ قوه قضائیه ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که مسئولیت تهیه و تنظیم لوایح «قضایی متناسب»، «استخدام قضات» (اصل ۱۵۸) و نیز، انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور (اصل ۱۶۲) به عهده رئیس این قوه گذاشته شده است. بدین ترتیب، رئیس قوه قضائیه، با توجه به موقعیت، شرایط و اختیاراتی که از نظر فقهی و حقوقی دارا است، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و گفتمان سیاست کیفری تقنینی ایفاء می‌کند و از طریق صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و نیز

۱- در این مورد رک. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، به دنبال عدالت کیفری کرامت‌مدار (مصاحبه)، ویژه نامه همایش قوه قضائیه و حقوق شهروندی، اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه، تیر ۱۳۸۶، صص ۸ و ۹.

۲- در این مورد رک. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ماهنامه تعالی حقوق، دادگستری خوزستان، شماره ۱۳-۱۴، مهر و آبان ۱۳۸۶، صص ۴۹-۵۱.

رویه مدیریتی قضایی (به ویژه در سطح دادسراها، دادگاهها و نهادهای اجرای احکام کیفری و سازمان زندانها) حضور مؤثری در جهت گیری های سیاست کیفری قضایی دارد. اصول قانون اساسی و رویه مدیریتی در عمل، رئیس قوه قضائیه را به یک کنشگر اصلی و شخصیت مرکزی در قلمرو سیاستگذاری کیفری تبدیل کرده است.

جناب آقای غلامحسین آماده، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی و قاضی عالی رتبه دادگستری، با استفاده از دانش حقوقی - جرم شناختی و تجربه قضایی خود، در کتاب پیش رو سعی کرده است نقش قانونی، فقهی و عملی رئیس قوه قضائیه را در سیاست کیفری ایران بررسی و تحلیل کند. در این چارچوب، نویسنده پژوهشگر، با اشراف بر قوانین و مقررات کیفری، رویه قضایی، بخشنامه ها و آیین نامه ها، نظریه ها و مکاتب کیفری و جرم شناسی، حضور «الهام بخش و مداخله های جهت دهنده» رئیس قوه قضائیه را در سیاست کیفری تقنینی و قضایی ایران به طور مستند مطالعه کرده است.

اثر حاضر، «نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران»، بی گمان برای حقوقدانان اهل عمل (قضات، وکلاء و مشاوران حقوقی)، حقوقدانان اهل نظر (استادان و پژوهشگران) و نیز برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، از آن جهت که نقش و اختیارات قانونی - عملی رئیس قوه قضائیه را در حوزه عدالت کیفری یکجا احصاء و تحلیل کرده است، بسیار مفید خواهد بود. با تکیه بر این اثر پژوهشی است که می توان از جمله قوه قضائیه - به ویژه عدالت کیفری - ایران را با سنجه حکمرانی خوب نیز بررسی و ارزیابی کرد.

علی حسین نجفی ابرندآبادی
تهران، ۱۲ بهمن ۱۳۸۷ خورشیدی

بارزترین تحول نظام قضایی در دوره ریاست آیت‌اله یزدی، حذف دادسرا و تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب بود. طرح شبهه خلاف شرع بودن نهاد دادسرا، معرفی دادسرا به عنوان اصلی‌ترین عامل اطاله دادرسی و پیگیری‌های مستمر و مؤثر رئیس قوه قضائیه، موجب شد تا مجلس شورای اسلامی، به رغم مخالفت جدی جمع کثیری از قضات، وکلا، استادان دانشگاه و دیگر صاحبان اندیشه، با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در ۱۳۷۳/۴/۱۵ به عمر هشتاد و چند ساله دادسرای عمومی در ایران، خاتمه دهد.^۱ دیری نپایید که اشکالات پیش‌بینی شده حذف دادسرا نمایان و ضرورت احیای مجدد آن، بیش از پیش، آشکار گردید. ده سال تلاش صادقانه و بی‌شائبه رئیس قوه قضائیه، به منظور بهبود روند دادرسی و مقابله با مشکلات بی‌شمار دستگاه قضایی، سپری شد اما فضای حقوقی غالب، همچنان احیای مجدد دادسرا را انتظار می‌کشید.

انتصاب آیت‌اله هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۷۸ به عنوان عالی‌ترین مقام قوه قضائیه و دیدگاه ایشان در مورد ضرورت احیای دادسرا و عدم مغایرت آن با موازین شرعی، پایانی بر انتظارها بود. ایشان اظهارنظر، مبنی بر فقدان دادسرا و دادستان در فقه اسلام را ناشی از سطحی‌نگری دانسته^۲ و معتقد بود که حذف دادسرا مشکلاتی را برای دستگاه قضایی، ایجاد کرده است.^۳ سرانجام به اهتمام رئیس قوه قضائیه و تصویب مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ اصلاح و احیای تدریجی دادسرا در سراسر کشور آغاز شد.

سرگذشت دادسرا، از حذف تا احیا، بیانگر نقش برجسته رئیس قوه قضائیه در نظام قضایی ایران است. این رخداد و نظایر آن، نشان می‌دهد که رئیس قوه قضائیه به خوبی قادر است با بهره‌گیری از اختیارات قانونی خود، و با اقداماتی نظیر تهیه لوایح مورد نیاز، صدور بخشنامه، دستورالعمل و آیین‌نامه‌های اجرایی، ایراد سخنرانی و طرح دیدگاه و رایحه راهکار، در امر سیاست‌گذاری، اصلاح ساختارها و ایجاد تغییرات ضروری، ایفای نقش نماید.

۱- برای آگاهی از فرایند حذف دادسرا و تشکیل دادگاههای عمومی ر.ک. به: زرنگ، محمد، تحول نظام قضایی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج اول ۱۳۸۱، ج دوم، صص ۳۰۵ تا ۳۱۰.

۲- هاشمی شاهرودی، سید محمود، صحیفه عدالت (مجموعه بیانات) مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ج ۳، ص ۳۳۷.

۳- همان، ص ۲۶۵.

۴- نگاهی گذرا به عملکرد رئیس قوه قضائیه، بیانگر این مطلب است که ایشان علاوه بر اصرار بر احیای دادسرا، با ارائه طرح توسعه قضایی، دفاع از تشکیل و توسعه شوراهای حل اختلاف، حمایت از گزینش و آموزش مشاورین حقوقی، نگاه ویژه به زندان و زندانیان، تأکید ویژه بر حفظ حقوق شهروندی، انجام دیدارهای چهره به چهره با مردم سراسر کشور، تهیه لوایح مورد نیاز و تلاش برای بهبود وضع معیشت کارکنان، و غیره، صرفنظر از ماهیت آن، منشأ تحولاتی در دستگاه قضایی بوده‌اند.

در این میان، تردیدی نیست که به لحاظ ارتباط مستقیم امور کیفری با منافع و مصالح جامعه و وظیفه خطیر حکومت‌ها در ایجاد و حفظ نظم و امنیت عمومی، سامان‌دهی فرایند دادرسی کیفری و نظارت بر چگونگی احقاق حق و اجرای عدالت، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگرچه مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به شکایات، تعقیب مجرمین، محاکمه و تعیین مجازات و اجرای آن، به قضات کیفری اعم از ایستاده (قضات دادسرا) و نشسته (قضات محاکم) محول شده است، با این حال نقش ممتاز رئیس قوه قضائیه در سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت بر این فرایند را نباید از نظر دور داشت. نقش عالی‌ترین مقام قوه قضائیه در محاکمات جزایی و چگونگی ایفای این نقش، شایسته تأمل و بررسی است.

به راستی رئیس قوه قضائیه چه نقشی می‌تواند در تحقق «دادرسی عادلانه» و «رفتار عادلانه» داشته باشد و چگونه قادر است رعایت الزامات آن را در فرایند دادرسی کیفری تضمین کند؟ برای تحقق این مهم، از کدام اختیارات و امکانات بهره‌مند است و در عمل، چگونه از اختیارات قانونی خود برای نیل به مقصود، بهره جسته است؟ آیا در وضعیت کنونی و با شرایط حاکم بر دستگاه قضایی، انجام دادرسی با محوریت عدالت و انصاف و در پرتو رفتاری انسانی و کرامت‌مدار، به شایستگی تحقق یافته یا همچنان آرزویی آرمانی و دور از دسترس است؟ در قوانین جاری، نظارت رئیس قوه قضائیه بر صدور و اجرای آراء کیفری، چگونه تحقق یافته و با چه شرایط و محدودیت‌هایی روبرو است؟ آیا اعطای اختیار به رئیس قوه قضائیه، هدف و انتظار قانونگذار را برای جلوگیری از صدور آراء خلاف شرع و تحقق عدالت قضایی، تأمین نموده است؟

انتخاب موضوع «نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران» فرصتی برای تأمل در پرسشهای پیش گفته و تلاشی به منظور یافتن پاسخی مناسب با تکیه بر رویه جاری است. به منظور تبیین نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، سخنرانی‌ها و عملکرد رؤسای قوه قضائیه، در سه محور مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و ضمن استناد به اسناد و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین و مقررات داخلی، به ابهامات قانونی و چگونگی عملکرد مراجع قضایی نیز اشاره شده است. در نخستین فصل، به تبیین نقش رئیس قوه قضائیه در تحقق دادرسی عادلانه (مبحث اول) و رفتار عادلانه (مبحث دوم) پرداخته شده و ضمن بیان مهمترین الزامات هر یک، از نقش ریاست عالی دستگاه قضایی در تضمین رعایت این الزامات، سخن به میان آمده است. دومین فصل، به چگونگی نظارت رئیس قوه

قضائیه بر آراء قطعی محاکم، اختصاص یافته و ضمن آن، جزئیات اختیار رئیس قوه قضائیه و نحوه اعمال آن تشریح شده است (مبحث اول). نظارت ویژه رئیس قوه قضائیه بر احکام قطعی قصاص نفس و قصاص عضو، محور دیگری است که مبانی شرعی و قانونی آن در مبحث دوم، مورد مطالعه قرار گرفته است.

به حکم وظیفه بر خود واجب می‌دانم تا از دانشمند فرزانه و استاد گرانمایه جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، به پاس رهنمودهای عالمانه و ارزشمند و تشویق‌های تأثیرگذارشان، صمیمانه تشکر و قدردانی نموده و توفیق روزافزون ایشان را از درگاه خداوند متعال آرزو نمایم. همچنین از قاضی متعهد و فاضل جناب آقای محمود شیرج، رئیس محترم حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه نیز که از دانش و مساعدت ایشان بهره بسیار برده‌ام، سپاسگزاری می‌نمایم. از دست‌اندرکاران محترم و پرتلاش نشر دادگستر به ویژه برادران ارجمند جناب آقای حسن سمیعان و جناب آقای محمودرضا مولایی نیز که در مراحل مختلف چاپ این اثر همواره مورد لطف و عنایت ایشان بوده‌ام تقدیر و تشکر می‌نمایم.

در کمال تواضع و فروتنی از سروران ارجمند، خوانندگان محترم، استدعا دارم که از کاستی‌ها و لغزش‌هایم بزرگواران درگذرند و از نظرات ارزشمند خود بی‌نصیب نگذارند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

غلامحسین آماده

تهران - بهمن ماه ۱۳۸۷ خورشیدی